

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
دانشگاه تهران

و

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

نشست علمی-کارشناسی

چشم انداز حل پایدار بحران قره باغ

بانگاهی به تحولات کنونی

۲۳ مهر ۱۳۹۹

گزارش کامل

وبینار با حضور



دکتر فاسم اصولی

کارشناس مسایل اوراسیا



دکتر علیرضا ییکدلی

کارشناس آسیای مرکزی و قفقاز

سفير پيشين ايران در جمهوري آذربايجان

استاد مدعو گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده اکو دانشگاه علامه طباطبائی



گزارش کامل

نشست علمی-کارشناسی " چشم انداز حل پایدار بحران قره باغ بانگاهی به تحولات کنونی" توسط مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی)، در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۹۹ به صورت وینار برگزار شد. در این نشست آقای دکتر علیرضا بیکدلی کارشناس آسیای مرکزی و قفقاز و سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان و دکتر قاسم اصولی کارشناس مسائل اوراسیا و استاد مدعو گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده اکو دانشگاه علامه طباطبایی، به طرح نقطه نظرهای خود پرداختند و مدیر نشست نیز خانم دکتر الهه کولایی بودند.

در ابتدا خانم دکتر کولایی با تأکید بر ضرورت بررسی علمی و کارشناسی منازعه قره باغ گفتند: «منازعه در منطقه قفقاز بخصوص قفقاز جنوبی که کانون تحولات است، از نظر مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اهمیت زیادی دارد. اصل مسأله جدایی طلبی به دوره شوروی برمی گردد و در دوره پسا شوروی همچنان استمرار دارد. آقای دکتر بیکدلی دیپلمات بوده‌اند و از نزدیک با منطقه آشنا هستند می توانند به

درک روشن‌تر و دقیق‌تر بحران قره‌باغ و بکارگیری عملی آن در راستای منافع کشور کمک کنند. آقای دکتر اصولی هم کارشناس مسائل اوراسیا هستند و رساله دکتری خود را نیز در این حوزه نوشته‌اند». سپس از آقای دکتر اصولی خواستند تا مباحث خود را مطرح کنند.

در ادامه، آقای دکتر اصولی بحث خود را ارائه کردند. ایشان با طرح این سوال که «علل و عوامل بحران قره‌باغ و چشم انداز این تحولات چیست؟» بحث خود را آغاز و به تحلیل تاکتیک نظامی ارمنستان و جمهوری آذربایجان در این بحران پرداختند. از نظر ایشان سوال مهمی که این روزها مطرح است اینکه چرا برخلاف درگیری‌های سال ۲۰۱۶ یا ماه ژوئیه دامنه درگیری‌ها گسترده‌تر و زمان درگیری‌ها طولانی‌تر و نقش حمایتی ترکیه فعال‌تر شده است. پاسخ این سوالات ریشه در درگیری‌های ماه ژوئیه در منطقه توووز و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این منطقه و شرایط کنونی نظام بین‌الملل دارد. حرکت تاکتیکی ارمنستان در درگیری‌های توووز برای تشدید جو احساسات ملی و به حاشیه راندن ناکارآمدی سیاست‌های این کشور در مبارزه با بیماری کرونا و تبعات اقتصادی ناشی از آن به اشتباه راهبردی منجر شد و دو خروجی مهم در سطح منطقه‌ای و داخلی را رقم زد که به‌عنوان پیشران‌های تحولات کنونی نقش ایفا می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه توووز و عبور شریان‌ها و کمربندهای انرژی از این منطقه، خروجی منطقه‌ای درگیری‌ها در این منطقه تهدید مستقیم منافع ژئواکونومیک ترکیه، بریتانیا، آمریکا و ایتالیا و کشورهای عمدتاً شرق اروپا که سرمایه‌گذاران اصلی در میدان انرژی و خطوط انتقال آن هستند به همین دلیل حمایت بی‌سابقه ترکیه از جمهوری آذربایجان را شاهد بوده‌ایم هرچند عوامل دیگری مانند تحولات سوریه، لیبی، یونان، مسایل داخلی این کشور می‌توانند به عنوان

عوامل موثر مطرح باشند اما تعیین‌کننده ترین عامل، تهدید منابع ژئواکونومیک این کشور بوده است.



دومین خروجی اشتباه راهبردی ارمنستان در درگیری توووز، تشدید فشارهای داخلی در جمهوری آذربایجان علیه الهام علی‌اف و تیم حکومتی او توسط گروه‌های اسلامی، ملی‌گرا، حدود یک میلیون آواره جنگی و افکار عمومی بوده است، برای همین بلافاصله بعد از درگیری-های توووز شاهد تظاهرات گسترده در شهرهای مختلف جمهوری آذربایجان و امضای لیست هزارنفری دواطلبان برای شرکت در جنگ علیه ارمنستان در جنگ قره‌باغ بودیم که الهام علی‌اف را به ناکارآمدی و بی‌کفایتی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی بعد از سی سال متهم می‌کردند که این موضوع هم به‌نوبه خود تشدید رویکرد تهاجمی در ابعاد وسیع را در شرایط کنونی رقم زده است.

در ارتباط با رویکرد نظامی جمهوری آذربایجان، موضع این کشور را می‌توان به دو دوره از ۲۷ سپتامبر تا ۹ اکتبر و از آن زمان تاکنون تقسیم‌بندی کرد. رویکرد نظامی این کشور در ابتدای مناقشه و تا ۹ اکتبر، تهاجمی و در راستای بازپس‌گیری شهرها جهت التیام افکار عمومی بود که از آن به بعد در گام اول به کنترل نقطه‌های راهبردی و در ادامه گام

نهادن به شهرها تغییر یافته است، در این ارتباط، در روزهای آینده تصاحب مناطق لاجین و شوشا برای جمهوری آذربایجان از اهمیت وافر راهبردی برخوردار خواهد بود، فعال شدن عنصر روسیه از ۹ اکتبر و کسب علم ناشی از تجربه میدان نبرد و در نهایت تلطیف نسبی فشارهای داخلی ناشی از موضع انفعالی این کشور در سی سال گذشته، از مهم‌ترین پیشران‌های تغییر رویکرد نظامی و ادبیات سیاسی این کشور از ۹ اکتبر به بعد بوده است.

در این زمینه الهام علی‌اف تا ۹ اکتبر اعلام می‌کرد «ما تا قره‌باغ پیشروی می‌کنیم و مذاکره نخواهیم کرد». اما با درخواست پوتین برای مذاکره سه جانبه موافقت و از مواضع تند خود در ابتدای مناقشه، عقب‌نشینی کرد. در واقع این کشور به ملاحظه‌های روسیه و شخص پوتین در ادامه درگیری توجه ویژه‌ای کرده است. در رابطه با نقش ترکیه، روسیه و آمریکا در این بحران، رویکرد ترکیه در منطقه، بیشتر ناشی از محرک‌های ژئواکونومیک بوده است. در واقع، با تداوم وضع موجود و تلاش برای فریز کردن مناقشه منافع ژئواکونومیک ترکیه در قفقاز تهدید شده است. حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان به همین دلیل است. در این رابطه ترکیه توانسته خودش را تبدیل به هاب انرژی کند و در قفقاز جنوبی با داشتن حدود ۳ میلیارد دلار دادوستد تجاری، ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است و ارزش قرارداد شرکت‌های ترک در آسیای مرکزی بالای ۸۵ میلیارد دلار است. حتی در سال‌های اخیر ارزش صادرات این کشور به ارمنستان بیشتر از ارزش صادرات ایران به ارمنستان بوده است. با وجود این، وزن و منزلت راهبردی روسیه در تصمیم‌های کنشگران منطقه مانند جمهوری آذربایجان بیشتر از ترکیه است. در مورد پیامد بحران در نظام بین‌الملل، آمریکا با توجه به سرمایه‌گذاری شرکت‌های انرژی این کشور مانند کونوکوفیلیپس، شورون در

خطوط انتقال انرژی، نسبت به منجمد کردن و تداوم وضع موجود احساس خطر می‌کند و تداوم وضع موجود را به معنای تداوم بی‌ثباتی و نوار بی‌پایان درگیری‌ها در منطقه می‌داند و به نظر می‌رسد در زمان‌های آتی برای حل مناقشه نقش فعال‌تری را ایفا خواهد کرد».

از نظر ایشان قانون نانوشته در منطقه قفقاز جنوبی، قانون فنلاندی سازی است که براساس آن کشورهای منطقه با در نظر گرفتن سیاست درهای باز وارد همکاری اقتصادی با کشورهای فرامنطقه‌ای و غربی شده‌اند اما در حوزه سیاسی و امنیتی روسیه را مهم می‌دانند و به حساسیت‌های آن احترام می‌گذارند. جمهوری آذربایجان در ملاحظاتش، اولویت ویژه برای روسیه قائل است. ادبیات علی‌اف نسبت به اوایل بحران تغییر کرده و یک نوع عقب‌نشینی از مواضعش را نشان می‌دهد. اوایل بر تداوم جنگ و خروج نیروهای نظامی ارمنستان به‌عنوان پیش‌شرط مذاکره تأکید می‌شد، اما بعد از ۹ اکتبر تأکیدش این است اگر آنها ادامه دهند ما شدیدتر جواب می‌دهیم، در واقع با علم به تنگنای راهبردی ارمنستان و عدم تمایل ارمنستان برای مذاکره با توجه از دست دادن تعدادی از شهرها، در جهت کاهش فشارهای بین‌المللی نوعی ادبیات مشروط تهاجمی را جایگزین ادبیات تهاجمی روزهای اولیه کرده است.

در ارتباط با رویکرد نظامی ارمنستان، این کشور همانطور که گفته شد از نظر تجهیزات نظامی و لجستیکی از جمهوری آذربایجان ضعیف‌تر است پس مهم‌ترین راهبرد نظامی این کشور از آغاز درگیری‌ها این بوده که ماهیت درگیری را از دوجانبه به چندجانبه تغییر دهد. در این راستا ابزار مورد استفاده ارمنستان عبارتند از:

۱. از داخل خاک و مرزهای رسمی خود، شهرهای جمهوری آذربایجان را مورد هدف قرار دهد که واکنش آذربایجان را در داخل مرزهای رسمی

خود به دنبال داشته باشد و براساس موافقتنامه دوجانبه امنیتی با روسیه و عضویت در سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، زمینه مداخله دیگر بازیگران را فراهم کند. یعنی اینجا تله راهبردی برای جمهوری آذربایجان پهن کرده است.

۲. هدف قرار دادن تأسیسات نفتی و شهرهای صنعتی جمهوری آذربایجان مانند مینسک چویر، شارون که بیشتر با هدف درگیر کردن مستقیم ترکیه در بحران بوده است. اما ترکیه به دنبال ایفای نقش نظامی و امنیتی نیست. مداخله ترکیه براساس اظهارات رییس مجلس این کشور در اوایل ماه اکتبر مشروط به مداخله نظامی دیگر قدرت‌ها شده است.

۳. مطرح کردن حضور گروه‌های تکفیری در درگیری‌ها؛ در واقع ارمنی‌ها با علم به حساسیت ایران و روسیه نسبت به تکفیری‌ها این موضوع را مطرح کرده‌اند.

در میدان نبرد هم، از ۲۷ سپتامبر تا ۹ اکتبر، رویکرد تدافعی (پدافندی) همراه با حمله‌های موشکی علیه شهر گنجه که دومین شهر پرجمعیت جمهوری آذربایجان است رویکرد نظامی این کشور بوده است تا با ضربه زدن به عمق راهبردی جمهوری آذربایجان، در پیش‌روی نیروهای این کشور اختلال ایجاد کند. اما از ۱۰ اکتبر رویکردی این کشور ماهیت ترکیبی آفندی (تلاش برای بازپس‌گیری هاترود، جبرائیلی، فضولی، زنگلان)، تداوم حملات موشکی به شهرهای پرجمعیت و صنعتی و نیز پدافندی در نتیجه واکنش سنگین جمهوری آذربایجان بوده است

نکته دیگر اینکه بحران قره‌باغ هم در میدان دیپلماتیک و هم در میدان نبرد، در سرنوشت سیاسی و بقای رهبران ارمنستان مهم است و سرنوشتشان با نتیجه این بحران گره خورده است. همانطور که برکناری پتروسیان از قدرت، ارتباط مستقیم با بحران قره‌باغ داشت. بنابراین، آینده

سیاسی پاشینیان وابسته به این است که مناطق از دست رفته را دوباره بدست بیاورد. به همین دلیل است که باوجود آتش‌بس، ارمنستان شهر گنجه را در ۱۰ اکتبر مورد هدف قرار داد تا بتواند با اعمال رویکرد آفندی دوباره شهرهای از دست رفته را بدست بیاورد این موضوع وضعیت پیچیده‌ای را برای پاشینیان در ارتباط با این مناقشه ایجاد کرده، با توجه به از دست دادن شهرهایی مانند زنگلان، جبرائیلی، هات رود، فضولی، توقف و اعلام آتش‌بس می‌تواند به معنای خلع قدرت پاشینیان در سال‌های آتی از قدرت باشد، بنابراین، تداوم و ثبات قدرت خود را ناگزیر در تداوم رویکرد آفندی برای احیای وضعیت قبل از شروع جنگ می‌بیند، از دیگر سو موجود منابع طبیعی غنی مانند معادن طلا در قره‌باغ کوهستانی و در شهرهایی مانند کلبجر که با سرمایه‌گذاری شرکت‌های روسی سالانه میلیاردها دلار عاید اقتصاد ارمنستان می‌کند، امکان آشتی و پذیرش طرح‌های صلح را برای ارمنستان دشوار ساخته است.

پاشینیان تأکید کرده است که ما هیچ کدام از اراضی قره‌باغ را به جمهوری آذربایجان نمی‌دهیم و به جنگ ادامه می‌دهیم و گفته از دست رفتن قره-باغ به معنای از دست رفتن ارمنستان است. با وجود این اکنون عواملی که مانور ارمنستان را کم کرده عبارت هستند از:

۱. شرایط اقتصادی نابسامان و کاهش ارزش پول این کشور در

روزهای اخیر،

۲. شیوع گسترده بیماری کرونا

۲. کمبود نیروی‌های آموزش دیده (رفته‌رفته حضور نیروهای زیر ۱۸

سال و افراد کهنسال بیشتر به چشم می‌خورد) و تجهیزات نظامی نسبت

به جمهوری آذربایجان.

دیگر عوامل تحدیدکننده میدانی بحران عبارتند از:

۱. منطقه قره باغ کوهستانی و صعب‌العبور است.

۲. سردی هوا احتمال پیشروی نیروهای نظامی را سخت می‌کند.

۳. روسیه که با استقرار نیروهای نظامی در امتداد مرزهای رسمی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و مطرح کردن استقرار نیروهای حافظ صلح رفته رفته به کنشگر فعال تبدیل می‌شود. با در نظر گرفتن مجموعه عوامل به نظر می‌رسد جنگ رفته رفته با کاهش شدت اولیه، حالت فرسایشی به خود بگیرد البته تلاش جمهوری آذربایجان برای حضور در مناطق راهبردی مانند دالان لاپین (که اکنون حدود ۱۰ کیلومتر فاصله دارد و حلقه ارتباط ارمنستان با قره‌باغ کوهستانی است)، و شوشا (منطقه-ای از نظر جغرافیایی بلند و مشرف به مناطق پیرامونی)، می‌تواند سرنوشت جنگ را با معادلات متفاوت مواجه سازد.

در ادامه آقای دکتر بیکدلی ابتدا از آقای دکتر اصولی به سبب مطرح کردن روند رخدادها تشکر کردند. ایشان گفتند: «امروز با ادعای ارمنستان مبنی بر اینکه جمهوری آذربایجان یک پایگاه در خاک ارمنستان را هدف قرار داده، بحران وارد مرحله جدیدی شد. مقام‌های ارمنستان با روسیه تماس گرفتند و فعال شدن سازوکار پیمان همکاری جمعی را مطرح کردند. پاسخ کرملین این بود که این درخواست در دست بررسی است».

سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان سپس با طرح این پرسش که «آیا برای بحران قره‌باغ یک راه حل قطعی وجود دارد؟» گفت: «در واقع، برخلاف بیشتر کارشناسان بنده بر این باورم که دو کشور به‌طور دراز مدت نمی‌توانند بحران را ادامه دهند پس باید یک راه‌حلی وجود داشته باشد. به عنوان راه‌حل، در کنار درگیری نظامی، مجموعه‌ای از مجادلات حقوقی در چهارچوب سازمان ملل و گروه مینسک و داخل کشورهای

مستقل همسود شکل گرفته که به ایجاد میزان زیادی سند منجر شده است که این اسناد به این مناقشه از دیدگاه حقوقی پرداخته‌اند. کشور ما باید این اسناد را مورد بررسی قرار دهد چون هر گونه توافق سرانجام با اسناد به آنها شکل می‌گیرد.

جمهوری آذربایجان مناقشه قره‌باغ را موضوع بین‌المللی می‌داند و ارمنستان (و نه منطقه خودمختار قره‌باغ) را طرف درگیری می‌داند. در واقع جمهوری آذربایجان تلاش کرده نشان دهد قره‌باغ طرف مناقشه نیست».



ایشان در ادامه به چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد بحران قره باغ اشاره کردند که موضع صریح و قطعی نداشته و موضوع را باز نگاه داشته‌اند: «قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به نوعی تنظیم شده‌اند که تفسیر هر دو طرف از آنها مستفاد می‌شود و وضعیت واضحی را مطرح نکرده‌است. مفاد هر یک از این قطعنامه‌ها در واکنش به محکومیت تجاوز به بخشی از قلمرو جمهوری آذربایجان و اعمال زور و خشونت در آن درگیریها در سال ۱۹۹۳ است.

گروه مینسک یکی از نهادهایی است که در سال ۱۹۹۲ مرتبط با مسأله قره باغ شکل گرفت و بسیار هم فعال بود. دو نشست لیسبون و مادرید،

دستاوردهای مهمی برای جمهوری آذربایجان به همراه داشت. اما جمهوری آذربایجان در مجموع، فعالیت های گروه مینسک را به سود خود نمی داند.

ما باید گروه مینسک را به خوبی بشناسیم تا بتوانیم از آن فعالیتهای آن برای رسیدن به یک راه حل بهره برداری کنیم. برای نمونه در مسأله قبرس، که ترکیه یک طرف مسأله است به دلیل ریزه کاری در اسناد، توافق حاصل نمی شود. بنابراین کارشناسان ما باید همه ریزه کاری های اسناد مناقشه قره باغ را شناسایی و تحلیل کنند و برای بهره برداری از آن در راستای سیاست خارجی کشور مشاوره دهند.

اینجا حتی رویه های مذاکراتی مطرح است. مثلاً در مذاکراتی که در سال ۱۹۹۸، براساس چارچوب نشست لیسبون شکل گرفت، کل و تمام سندی را که قرار بود روی آن مذاکره و کار شود، به دو طرف ندادند. بلکه در هر نشست بخشی از سند را به نمایندگان دو طرف درگیر، یعنی ارمنستان و جمهوری آذربایجان، می دادند تا روی بند بند آن یکی پس از دیگری مذاکره شود. طرح کلانی که آنجا دنبال می شد، دادن بالاترین حد خودمختاری به منطقه قره باغ بود. پتروسیان آماده بود تا این توافق را نهایی کند که درگیری در مجلس ارمنستان و شبه کودتا اتفاق افتاد و این مذاکره شکست خورد. آرامنه قره باغ، حامیان آنها در ارمنستان و دیاسپورای ارمنی سی سال تلاش کرده اند تا شرایط به سوی استقلال قره باغ برود، اما اکنون واقعیت ها نشان می دهد احتمال دارد راه حل نهایی در قالب فدراسیون یا کنفدراسیون به دست بیاید. اینجا دو محور تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و حق تعیین سرنوشت آرامنه قره باغ باید با هم تامین شوند و حقوق آرامنه در منطقه قره باغ در پرتو تضمین بین المللی در قالب تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان پذیرفته شود. به سود همه طرفها است که این بحران در چنین چارچوبی با توافق طرفین،

بطور مسالمت‌آمیز با حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و رعایت حقوق ارامنه حل شود.

در غیر این صورت درباره این بحران، سناریوهای احتمالی مطرح است: مثلا اگر کشورهایی از جمله روسیه استقلال منطقه قره‌باغ را شناسایی کنند، وضعیت تغییر خواهد کرد. البته روسیه تا حد امکان نمی‌خواهد چنین کاری کند زیرا با جمهوری آذربایجان همسایه است و تعداد زیادی از آذری‌ها در روسیه زندگی می‌کنند.

ایشان در جمع‌بندی خاطر نشان کردند در این بحران اول وضعیت میدانی؛ یعنی اقتصاد، ارتش و نیروی نظامی و توانمندی سخت‌افزاری، همچنین واقعیت‌های منطقه مانند رفتار روسیه و تجربه‌هایی مانند گرجستان و اوکراین و سرانجام نقش بازیگران بین‌المللی مهم هستند. در سطح کشورهای منطقه نقش روسیه و ایران بسیار مهم است. نقش ایران را نباید دست‌کم گرفت و ایران در مذاکرات نهایی برای دستیابی به راه حل نهایی، حضور خواهد داشت. اگر امروز ایران به هر دلیل در پشت میز مذاکرات نیست، این نشان جدی نبودن این میز است. به محض اینکه مذاکرات جدی شکل بگیرد یک نشانه آن، حضور فعال ایران در روند مذاکرات صلح قره‌باغ خواهد بود. ایران بر این باور است به ترتیبی که گفته شد این مناقشه راه حل سیاسی دارد. مسیر نظامی مخرب و پرهزینه است. پس مسیر دیگری باید انتخاب شود.

این دیپلمات پرسابقه، چهار چارچوب ممکن برای کمک به حل بحران قره‌باغ را به شکل زیر جمع‌بندی کردند:

۱. چارچوب ۱+۲: ایران بین طرفین درگیری، میانجیگری کند. این چارچوب در زمان ریاست جمهوری مرحوم آیت‌الله رفسنجانی بین کفیل

ریاست جمهوری آذربایجان یعقوب محمداف و رئیس جمهور ارمنستان پتروسیان انجام گرفت.

۲. چارچوب ۲+۲: شامل ایران و روسیه به عنوان میانجی و طرفین مناقشه.

۳. چارچوب گروه مینسک: دو طرف مناقشه به علاوه چندکشور. در این مدل در صورت جدی شدن مذاکرات، پیوستن ایران مطرح خواهد بود.

۴. چارچوب سه جانبه: ایران، روسیه و ترکیه. این چارچوب مورد نظر ایران است، اما متقاعد کردن طرف ارمنی برای حضور ترکیه دشوار خواهد بود.

۵. چارچوب سازمان ملل: در قالب شورای امنیت سازمان ملل زیر نظر دبیرکل.

آقای دکتر بیکدلی در پایان سخنرانی خود گفتند: «چون حجم داده‌هایی مربوط به مذاکرات دوجانبه و چندجانبه گروه مینسک در باره یک طرح صلح زیاد است، استادان و دانشجویان باید به دستگاه سیاست‌خارجی کمک کنند، تا مسئولان بتوانند درست‌ترین تصمیم‌ها را در راستای تأمین منافع ایران بگیرند». ایشان خاطرنشان کردند مسأله قبرس، قره‌باغ، کشمیر و آبخازیا تجربه‌هایی است که باید در حل مناقشه قره‌باغ به آنها توجه کنیم تا بر ابعاد و اضلاع بحران‌ها مسلط شویم. پس کارشناسان تکیه‌گاه مهمی برای کشور هستند و باید این مسائل را به دقت بررسی کنند».

در ادامه خانم دکتر کولایی از آقای دکتر بیکدلی به سبب ارائه موضوع-های طبقه‌بندی شده و منظمی که مطرح کردند، تشکر کردند. خانم دکتر کولایی گفتند مسأله اساسی، اهمیت نقش روسیه به‌ویژه در قفقاز جنوبی است که هفته آینده در نشست دیگری با آقای دکتر سنایی، سفیر پیشین

ایران در روسیه، در مورد همکاری ایران و روسیه در بحران قره‌باغ، به آن پرداخته خواهد شد.

در ادامه این نشست، شرکت کنندگان پرسش‌ها و نقطه نظرهای خود را طرح کردند.

آقای دکتر مهدی حسینی تقی آباد: آیا این آتش‌بس با آتش‌بس سال ۲۰۱۷، تفاوت دارد؟ ادامه درگیری تا کجا خواهد بود؟ آیا استعفای آقای پاشینیان را به همراه دارد یا ابعاد این بحران کلان‌تر خواهد بود؟ در مورد نیروهای نیابتی ترکیه، آیا حرکت رسانه‌ای است یا واقعا اتفاق افتاده است؟

آقای دکتر بیکدلی: به عنوان یک کارشناس با شناختی که از منطقه و شرایط جمهوری آذربایجان دارم، چنین اقدامی از سوی باکو را منطقی نمی‌دانم. اگر واقعی بودن چنین اقدامی اثبات شود، خواهم گفت که اشتباه مهلکی روی داده است.

خانم دکتر کولایی در پاسخ به این سوال که چرا آتش‌بس سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد؟ اضافه کردند: در واقع تحولات ارمنستان از جمله همان رخدادهایی است که در اوکراین و گرجستان اتفاق افتاد و پاسخ مشابهی را دریافت می‌کند. در سال ۱۳۷۲ مقاله‌ای در مجله راهبرد نوشتم که بر مسأله جمهوری خودمختار آبخازیا متمرکز بود. عنوان این مقاله "الگوی رفتاری روسیه در گرجستان، تغییر یا تداوم؟" بود. ادامه این الگوی رفتاری از سال ۲۰۰۸، ابعاد گسترده و جدی‌تری پیدا کرده است. در اوکراین سال ۲۰۱۴ و در ارمنستان در سال ۲۰۱۸ که پاشینیان به قدرت می‌رسد، باید ابعاد مختلف تحولات را بررسی کرد. نمی‌توان در بررسی‌ها در قفقاز، روسیه را نادیده گرفت. در مورد موضوع پایداری آتش‌بس پس

از سال ۲۰۱۷، که در سال ۲۰۲۰ شاهد شکسته شدن آن هستیم، باکو پیام سیاست روسیه در مناطق پیرامونی را گرفته و در محاسباتش در نظر گرفته است.

آقای دکتر اصولی: هیچ وقت به طور مستقیم مطرح نشده که نیروهای مزدور در منطقه وجود دارد اما منطقه به طور بالقوه قابلیت جذب نیروهای مزدور را دارد. مناقشه قره‌باغ ظرفیت بالقوه برای جذب نیروهای تکفیری را دارد. در این بحران مجموعه ای از متغیرهای تعیین کننده وجود دارد از جمله روسیه و ایران. رویکرد ایران نظامی نشدن و موازنه‌گرایی است اما تأثیری نداشته و تبعات امنیتی برای ایران به همراه داشته است. همچنین حضور اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی به دلیل نیاز کشورها به لابی‌گری و خرید تجهیزات نظامی را شاهد هستیم. ایران باید فعلاً قدم بردارد. طی سی سال از ظرفیت اقتصادی منطقه استفاده نکرده‌ایم و اکنون باید مداخله سازنده داشته باشیم.

خانم دکتر کولایی: بحران قره‌باغ با امنیت ملی و منافع ملی ما ارتباط مستقیم دارد. ان شاء الله هفته آینده این بحث را با دکتر سنایی دنبال می‌کنیم. اما در رابطه با نقش فعال ایران در منطقه قفقاز جنوبی و بحران قره‌باغ، باید تجربه همکاری ایران و روسیه در سوریه و پیامدهای آن برای برای هر دو کشور را هم ببینیم. سپاس از آقای دکتر اصولی برای طرح نکته‌های مهم منطقه و بحران قره‌باغ و آقای دکتر بی‌کدلی که سخاوتمندانه تجربه‌های سه دهه‌شان را ارائه کردند.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

cces@ut.ac.ir

تارنما:

cces.ut.ac.ir

Center for Central Eurasia Studies

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: cces@ut.ac.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704